

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

اگر به حسب ظاهر بگوئیم دو طائفه روایت وجود دارد باید در دو مقام بحث را ادامه بدهیم: الف - اگر قائل به وجود تنافی شدید کیفیت جمع میان این دو دسته روایات به چه صورت است؟! ب - اگر قائل به وجود تنافی نشده و گفتیم تنها روایتی که در آنها تعبیر «شهر» وجود دارد، باید دید نتیجه بحث چیست؟ بحث فعلی در مقام اول است یعنی در یک طائفه روایات ملاک مضمی شهر و در طائفه دیگر ملاک مضمی ثلاثین یوماً قرار گرفته است.

مرحوم صاحب جواهر (ره) بعد از این که فرمود: باید روایات مضمی ثلاثین را قرینه برای تصرف در روایات مضمی شهر قرار داده و بگوئیم مراد از شهر ثلاثین است، فرمود: این کلام مبتنی بر این است که تنافی بین دو طائفه را بپذیریم لذا مطلق را باید حمل بر مقید نمود.

ایشان در ادامه فرمود: چه بگوئیم کلمه شهر مشترک لفظی میان ما بین الهلالین یا ثلاثون است و چه بگوئیم کلمه شهر حقیقت در ما بین الهلالین است، بین دو طائفه روایت تنافی وجود ندارد در نتیجه وجهی ندارد مطلق را حمل بر مقید نمائیم چرا که روایات ثلاثین می گویند اکتفا به آن کافی است در مقابل روایات شهر نیز می گویند بین الهلالین کافی است.

سپس فرمود: اگر کسی بگوید: در صورت عدم وجود تنافی باید با این دو دسته روایات چگونه برخورد نمود؟ ایشان می فرماید: آن چه مرحوم صاحب مجمع الفائده و البرهان (ره) فرموده است خالی از قوت نیست یعنی باید بگوئیم روایات شهر در مورد جایی است که تردد در آنات اولیه از تکنون هلال محقق شود و روایات ثلاثین مربوط به تردد در اثناء شهر می باشد.

ادامه بیان کلام مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام)

مرحوم صاحب جواهر (ره) در ادامه از کلام نقل شده از مرحوم صاحب مجمع الفائده و البرهان (ره) عدول نموده و می فرماید: احوط و اقوی این است که بر طبق روایات ثلاثین عمل نموده و بگوئیم ثلاثین تعین دارد چرا که اولاً تمام اشکال بین شهر و ثلاثین یک روز است؛ یعنی روایات شهر می گوید اگر بیست و نه روز هم بود تمام بخون. اما روایات ثلاثین می گوید باید سی روز سپری شود. وقتی شک کنیم که در روز سی قصر برای ما واجب است یا اتمام، به جهت وجود استصحاب حکم به قصر می نمائیم.

ثانیاً اطلاق ادله قصر - لكل مسافر يجب ان يقصر - در این فرض حاکم بوده و بحث در مخصص آن است. ثالثاً هر چند لفظ شهر حقیقت در قدر مشترک میان بیست و نه و سی روز است، اما باید حمل بر مورد غالب که تردد در اثناء شهر است شود که

تردد در اثناء شهر بلاخلاف موضوع برای ثلاثین می‌باشد.

در ادامه می‌فرماید: اگر کسی در غلبه مناقشه نموده و بگوید اگر مسئله غلبه مطرح باشد، غلبه در روایت شهر نیز مطرح است پس یا باید در هر دو دست از اطلاق برداشته به غلبه تمسک نمائیم و در مرحله بعد به استصحاب یا اطلاق ادله عام قصر تمسک نمائیم یا باید در هر دو اطلاق را بپذیریم.

ایشان در پاسخ می‌فرماید: اطلاق ادله ثلاثین بر اطلاق ادله شهر محکم است لذا باید مقدم شود. ایشان دلیلی برای این مطلب ذکر ننموده‌اند.

بررسی کلام مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام)

در این بحث باید چند نکته را مورد بررسی قرار داد:

نکته اول: مرحوم صاحب جواهر (ره) در مقام رفع تنافی مسئله غلبه را مطرح نموده و فرمود: ثلاثین غالب است لذا قابلیت تقييد ندارد چرا که اولاً تردد افراد غالباً در اثناء شهر محقق می‌شود. ثانیاً در این مورد اجماع وجود دارد که ثلاثین لازم است.

به بیان دیگر کلام امام (علیه السلام) در مصححه ابی ایوب به این جهت است که ایشان ملاحظه نموده‌اند غالب تردد واقع شده در خارج، تردد در اثناء می‌باشد لذا مسئله ثلاثین را مطرح نموده‌اند؛ در حالی که اولاً مرحوم صاحب جواهر (ره) قبل از تحقق اجماع باید غلبه را تصور نماید یعنی قبل از تحقق اجماع مفروض این باشد. که اگر تردد در اثناء بود ثلاثین لازم است پس اگر اجماع در کار نباشد کلام ایشان قابل اثبات نیست. مثلاً در «وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ»^[1] می‌گوئیم تعبیر مذکور به عنوان غالب است لذا نمی‌تواند به عنوان مقید واقع شود.

به عبارت دیگر در روایت، تعبیر بعد از مضی ثلاثین ذکر شده که از حیث وقوع تردد در اثناء یا ابتدای شهر ساکت است؛ در حالی که ایشان قید تردد در اثناء شهر را ذکر نموده‌اند و در مرحله بعد می‌فرماید: اجماع داریم که ثلاثین با توجه به این قید بوده و لذا باید آن را حمل بر مورد غالب نمائیم. ثانیاً در مسئله محل بحث و این روایات، شارع در مقام بیان حدی معین است لذا مطرح شدن غلبه معنا ندارد.

صرف نظر از مطرح بحث غلبه دو طائفه روایت وجود دارد که اطلاق روایات مضی شهر می‌گوید چه ابتدای ماه و چه انتهای ماه و همچنین هم بیست و نه روز هم سی روز کافی است.

در مقابل اطلاق روایت سی روز نیز می‌گوید چه ابتدای ماه چه انتهای ماه فقط باید ثلاثین باشد. به نظر ما تنافی عرفی در این مورد وجود دارد یعنی عرف می‌گوید ملاک مضی شهر یا مضی ثلاثین است؟!

نکته دوم: مرحوم سید، امام و مرحوم صاحب مجمع الفائده و البرهان (ره) مطلبی دارند که این مطلب را مرحوم صاحب جواهر (ره) نیز پذیرفت.

این بزرگان فرموده‌اند: روایات متعدد وارد شده در مورد مضی شهر مربوط به جایی است که تردد در آنات اولیه عرفی هلال باشد. اما روایت ثلاثین مربوط به جایی است که تردد از اثناء ماه باشد؛ در حالی که اولاً روایت، قرینه و شاهی برای این مطلب وجود نداشته و جمع تبرعی محض می‌باشد.

ثانیاً حمل خبر واحد که مربوط به ثلاثین است بر مورد غالب و حمل روایات متعدد شهر بر یک مورد بسیار بسیار نادر و یا به قول مرحوم حکیم موردی که اصلاً اتفاق نمی‌افتد بسیار مشکل است.

ثالثاً اجمالاً می‌دانیم که در این مسئله دو موضوع وجود ندارد یعنی توسط شارع یا شهر و یا ثلاثین معیار قرار گرفته‌است؛ در حالی‌که جمع مذکور به این معنا است که دو موضوع و دو حکم در این مسئله وجود دارد. به این بیان که شهر در موردی که تردد در آن اولیه و ثلاثین در موردی که تردد در اثناء ماه باشد ملاک است.

به بیان دیگر نزد شارع یک بُعد زمانی معین ملاک قرار گرفته و می‌گوید تردد در این بُعد زمانی موضوع برای اتمام در روز بُعد می‌باشد که این زمان یا شهر است یا ثلاثین. نه این‌که دو بُعد زمانی مدنظر شارع باشد یعنی یک بُعد زمانی وقتی است که تردد در آنات اولیه ماه باشد و بُعد زمانی دیگر وقتی است که تردد در اثناء ماه واقع شود.

رابعاً همان اشکالی که در مورد غلبه ذکر در اینجا نیز باید ذکر شود که وقتی شارع در مقام بیان حد است مطرح شدن دو موضوع - بیست و نه و سی روز - فایده ندارد.

برخلاف مواردی مانند رضاع که شارع گاهی زمان - یوم و لیلة - و گاهی مرآت و دفعات خارجی - پانزده مرتبه - را معیار قرار می‌دهد که نوع حد متفاوت است. یا طبق قول مشهور در یائسگی زنان که در سیده 60 سال و در سایر زنان 50 سال است و این مقدار اختلاف می‌تواند مصحح اعتبار مذکور باشد.

اما اختلاف در مانحن فیه که مسئله بر سر یک روز است مانند این است که شارع اقل حیض را زنان سیده سه روز و برای زنان غیر سیده چهار روز قرار داده باشد که چنین امری ممکن نیست.

جمع‌بندی

تا اینجا مشخص شد اگر در مسئله محل بحث طبق این فرض که دو دسته روایات وجود داشته باشد مسئله غلبه و جمع میان این دو دسته روایت بنابر آن‌چه این بزرگان فرمودند صحیح نیست. در نتیجه میان اطلاق این دو طائفه روایات تعارض و تباین وجود دارد.

در مرحله بعد اگر مسئله حکومت مطرح شده و بگوئیم امام (علیه‌السلام) در مصححه ابو ایوب با بیان تعبیر ثلاثین قصد دارند تمام تعبیری که در روایات دیگر آمده‌است را تفسیر نمایند؛ در نتیجه نسبت سنجی معنا ندارد.

به بیان دیگر با مراجعه به عرف و با فرض وجود دو دسته روایت، عرف می‌گوید: شهر مجمل بوده و ثلاثین در نقش مبین آن ظاهر شده و بر آن حکومت دارد.

در مقابل مرحوم خوئی (ره) مسئله حکومت را مطرح ننموده و می‌فرماید: «إطلاق كلّ من نصوص الشهر و رواية الثلاثین معارض بالآخر، و كلّ منهما صالح لأن يكون مقیداً لإطلاق الآخر».^[2] در حالی‌که اشکال همین است که عرفاً شهر نمی‌تواند بیان برای ثلاثین باشد اما در مقابل ثلاثین می‌تواند بیان برای شهر واقع شود.

بله طبق بیان مرحوم خوئی (ره) از این جهت تردیدی نیست که روایات ثلاثین اعم از این است که ماه هلالی ناقص یا کامل باشد و به بیان ما که تعبیر بهتری است اعم از این‌که تردد در اثناء یا اول باشد یا نباشد. روایات شهر نیز می‌گوید چه تردد در اثناء یا در

ابتدا باشد یا نباشد.

اما اگر مسئله حکومت نشود دو دسته روایت تعارض کرده و ساقط می‌شوند که مرحوم خوئی (ره) در آخر چنین نظری را اختیار نموده‌اند.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. نساء، 23.

[2]. موسوعة الإمام الخوئي، ج، ص: 345.